## یادداشت

**ادامه از صفحه یک...**

ولی حرفش هیچ تاثیری بر سیاست رسمی کشور بر جای نگذاشت. در واقع این منتقدان می گویند مادام که جمهوری اسلامی به تاریخ نپیوندد، تلاش ما برای تحریم کشتی ایران متوقف نخواهد شد. طبیعتاً سیستمی که حتی حاضر نیست مجوز مبارزه با کشتی گیران اسرائیلی را صادر کند تا خطر تحریم کشتی ایران منتفی شود، برای منتفی ساختن این خطر، ختم خودش را اعلام نخواهد کرد و این خیالی عبث است. بنابراین سنبه کسانی که می کوشند کشتی ایران را تحریم کنند، قوت سیاسی چندانی نخواهد یافت و زورش نهایتاً فقط به کشتی می رسد. لطمه خوردن کشتی ایران هم به معنای از دست رفتن شانس موفقیت کشتی گیرانی است که ذاتاً سیاسی نیستند و اگر در کانادای دموکراتیک یا کره‌شمالیِ توتالیتر هم به دنیا آمده بودند، به دلیل استعداد و علاقه‌شان، احتمالاً کشتی گیر می شدند و مایل بودند در مسابقات جهانی و المپیک مدال کسب کنند و از موفقیت‌شان لذت ببرند و کشورشان را نیز مفتخر سازند. اگر سیاست تحریم کشتی ایران در دوران رژیم شاه نیز دنبال می‌شد و به نتیجه می‌رسید، اکنون این نام‌ها جایی در تاریخ و جامعه ایران نداشتند: غلامرضا تختی، عبداله موحد، امامعلی حبیبی، ابراهیم جوادی، محمدعلی صنعت‌کاران، منصور مهدی‌زاده، منصور برزگر و... کشتی ایران در دهه اخیر سال‌هایی پربار و پرافتخار را رقم زده است. از موفقیت چشمگیر کشتی فرنگی در المپیک لندن تا درخشش کم‌نظیر و بی‌نظیر آزادکاران و فرنگی کاران ایرانی در همین مسابقات جهانی اسلو. اینکه به دلیل نارضایتی سیاسی از وضع موجود، بخواهیم درِ کشتی کشور را گِل بگیریم و تاریخ این کشتیِ را به برهوتی بی‌افتخار بدل کنیم، مصداق بارز سیاست‌زدگی است.

این نگرش و این طرز مبارزه سیاسی، به سیاست چنان ضریبی می‌دهد و آن را از چنان طنین توتالیتری برخوردار می کند که خط خوردن نام تختی و موحد و رسول خادم و حسن یزدانی از تاریخ ایران برایش هیچ اهمیتی ندارد. امر توتالیتر، امری فراگیر است که همه حوزه‌های زندگی را در می‌نوردد. فرقی نمی کند که «ایدئولوژی» همه حوزه‌های زندگی ما را شخم بزند یا «مبارزه». مبارزه‌ای که پرافتخارترین قهرمان کشتی یک کشور را در اوج توانایی جسمی و ذهنی‌اش از دور خارج کند و او را به عنصری مغموم و خانه‌نشین و عاطل و باطل بدل کند، بعید است به نتیجه‌ای دموکراتیک منتهی شود. فرض کنیم در دهه ۱۹۸۰ عده‌ای از مخالفان حکومت شوروی موفق می‌شدند ورزش شوروی و سایر کشورهای کمونیستی را به کلی تحریم کنند. در این صورت دنیای شطرنج دیگر شاهد نبوغ نابغه‌ای به نام گری کاسپاروف نمی‌بود. کشتی جهان هم از سرگئی بلاگلازوف و آرسن فادزائف و والنتین یوردانف و ماخاربک خاداراتسف محروم می‌شد. آن همه ژیمناست تحسین‌برانگیز شوروی هم از ورزش رخت برمی‌بستند. در رأس همه آن‌ها، دیمیتری بلازرچفِ تماشایی یا کریستین اوتو، شناگر زن آلمان شرقی که در المپیک سئول شش مدال طلا گرفت و جهانی را مبهوت درخشش‌اش کرد. یا نادیا کومانچی، ژیمناست رومانیایی که ستاره تابناک المپیک مونترال بود. کسی که یکسره غرق در مبارزه و سیاست شده باشد، البته برای استعداد و هنر و توان و نبوغ این همه ورزشکار نامدار تره هم خرد نمی کند، اما این کورچشمی سیاسی، بهره‌ای از عدالت ندارد. کسانی که با حکومت‌های شوروی و رومانی و آلمان شرقی مشکل داشتند، مشی سیاسی‌شان علی‌القاعده باید به سرنگونی چائوشسکو و حزب کمونیست شوروی و آلمان شرقی منتهی می‌شد نه به محرومیت نادیا کومانچی و کریستین اوتو و دیمیتری بلازرچف و آرسن فادزائف از شرکت در مسابقات جهانی و المپیک.

وانگهی، لایه‌های تندرو اپوزیسیون خارج از کشور مدام از فروپاشی سیاسی قریب‌الوقوع در ایران دم می‌زنند. به این آقایان و خانم‌های محترم باید گفت اگر واقعاً چنین باوری دارید، دیگر چرا دنبال محروم کردن حسن یزدانی و رفقایش از کسب مدال طلا و نقره مسابقات جهانی سال‌های آتی هستید؟ همان بیخ سیاست را بچسبید که پرداختن به کشتی برای شما که در یک‌قدمی تغییر مسیر تاریخ هستید، عین اتلاف وقت است! از این حضرات مبارز، باید پرسید که تاریخ ما کی و کجا دموکراتیک بوده که شما فی‌الحال با ادعای مبارزه معطوف به دموکراسی، یعنی با انگیزه سیاسی، کمر به نابودی ورزش و فرهنگ این کشور بسته‌اید؟ یک روز به اصغر فرهادی حمله می کنید که چرا در کن مطابق میل شما شعار نداد، دیگر روز در پی آن هستید که حسن یزدانی را به خاک بنشانید آن هم به خاک سیاه!

مبارزه‌ای که نتیجه‌اش لطمه خوردن بلکه له شدن برترین چهره‌های فرهنگ و ورزش این کشور باشد، عدمش به ز وجود. چه فرقی دارد که تختی و بهروز وثوقی هر یک به نوعی قربانی سیاست شوند یا حسن یزدانی و اصغر فرهادی؟

کسانی که نه اهمیت هفت مدال جهانی و المپیکِ پی‌درپیِ حسن یزدانی را می‌دانند نه درخشش اصغر فرهادی در سینمای جهان برایشان اهمیت دارد، مثل همان کسانی هستند که اول انقلاب شعار می‌دادند «بی‌طرف‌ها بی‌شرفند». ما ایرانیان نتیجه مشی سیاسی آن حضراتِ افراطی را تا مغز استخوان چشیده‌ایم. تکرار آن تجربه، پیمودن یک راه طی شده است و عاقل هم از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

**منبع: عصر ایران**

## «انریکه مورا» به ایران سفر می‌کند؛ شروع وین از تهران

**مهر:** شبکه تلویزیونی بلومبرگ به نقل از مقام‌های اروپایی آگاه از سفر معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران در روزهای آتی به منظور مشخص شدن تاریخ از سرگیری گفت‌وگوهای وین خبر داد.

شبکه تلویزیونی بلومبرگ به نقل از مقام‌های اروپایی آگاه اعلام کرد که یک مقام ارشد اروپایی (انریکه مورا معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) در روزهای آتی به تهران می‌رود تا بر سر تاریخ آغاز گفت‌وگوها با ایران به توافق برسد. بر اساس اعلام مقامات آگاه که نخواستند نامشان فاش شود، این سفر برای مشخص شدن تاریخ از سرگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای در وین به انجام خواهد رسید. این در حالیست که حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران جمعه بار دیگر با تأکید بر قصد ایران برای بازگشت به مذاکرات وین گفت: در حال نزدیک شدن به جمع‌بندی نهایی در دولت جدید هستیم.

## بادامچیان گلایه کرد؛ مذاکره برای مذاکره بی فایده

**فارس:** دبیر کل حزب موتلفه اسلامی، گفت: مذاکره برای مذاکره فایده‌ای ندارد، بلکه مذاکره از موضع اقتدار و حفظ مصالح و منافع ملی قابل قبول است به شرط آنکه نتیجه مذاکرات به اقدام برسد.

اسداله بادامچیان که در پایان نشست دبیران این حزب سخن می گفت، افزود: ۸ سال مذاکرات دولت قبلی که از موضع ضعف و انفعال بود در رفع تحریم‌ها و حتی برآورده ساختن خواسته‌های دولت آقای روحانی نتیجه‌ای نداشت و تکرار آن مذاکرات بی‌حاصل هیچ فایده‌ای ندارد. وی تصریح کرد: اگر آمریکا رفع تحریم کند و ایران راستی‌آزمایی کند که آمریکا به راستی از طریق مذاکره می‌خواهد روابط بین ایران و آمریکا بر اساس مبانی غیر سلطه‌ای برقرار شود و حقوق حقه ایران را که ظالمانه غصب کرده بازگرداند، آنگاه چنین مذاکره‌ای نتیجه بخش خواهد بود.

### بررسی تنش اخیر میان ایران و جمهوری آذربایجان در گفت‌وگو با تحلیل گر مسائل سیاسی؛

# عدم مدیریت بحران یعنی امتیازدهی در وین

مریم عمادی / گروه سیاست
Maryam.Emadi@yahoo.com

**تنش در مرزهای شمال غربی کشورمان افزایش یافته و فیلم‌های متعددی از استقرار نیروهای نظامی ایران در مناطق مرزی با ارمنستان و جمهوری آذربایجان منتشر شده است. با توجه به اینکه ایران در ادوار مختلف و در زمان بحران‌های جدی و تاریخی منطقه، همواره از تمامیت ارضی کشور آذربایجان حمایت کرده و نگذاشته قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظم استراتژیک این منطقه را برهم بزنند پس چه مسائلی باعث شد که در مقطع کنونی روابط دوستانه این دو به تنش تبدیل شود؟ در واقع علل پیدایش چنین بحرانی چیست؟**

به نظر می‌رسد که چندین عامل در این زمینه نقش دارند. یکی از مهم‌ترین مسائل این است که سیاست خارجی ما در ارتباط با همسایگان در یک دهه گذشته افول کرده است یعنی اولویت ما تمرکز روی بحث برجام و کم‌توجهی به روابط با همسایگان و مذاکره و تعقیب مسائل اختلافی و دستیابی به راه حل برای آن‌ها بود. مثلاً در شرایط جنگ میان ارمنستان و آذربایجان، ایران یک سیاست به نفع آذربایجان اتخاذ کرد و این مسئله باعث شد آذربایجان دست بالا را بگیرد، قدرت تأثیرگذار در ادامه جنگ باشد تا جایی که به دنبال گرفتن استان جنوبی کشور ارمنستان باشد و برای امنیت ایران تهدید کننده باشد این مسئله ناشی از ضعف سیاست خارجی کشور ایران در ارتباط با همسایگان است.

دومین مسئله این بود که آذری‌ها و ارمنی‌ها دو قوم ایرانی بودند که از آن جدا شده‌اند. ایران در زمان اختلاف بین این دو کشور باید سیاست موازنه را در پیش بگیرد و اگر به نفع یکی از آن‌ها موضع بگیرد باید بعداً هزینه‌اش را در غلبه آن کشور بر دیگری و مسائل مرزی و امنیتی بپردازیم و این اشتباهی بود که در گذشته انجام شد یعنی گرفتن طرف آذری و کم‌توجهی به ارمنی‌ها. امروز آذری‌ها فکر می‌کنند پیروز هستند و حتی می‌خواهند از ایران هم باج‌گیری کنند که بخشی از این مسئله به سیاست یکجانبه حمایتی ما برمی‌گردد. مورد بعدی، دست ردی بود که به سینه ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا زده شد و در ادامه شکست این کشور در رهبری جهان عربی -سنی تحت عنوان نئوعثمانیسم بود (زمانی که در بحران سوریه و عراق ورود کرده بود) بنابراین ترکیه تصمیم گرفت سیاست ترکستان بزرگ یا رهبری کشورهای ترک زبان در دوطرف دریای خزر را دنبال کند و در پی این هدف به دنبال یک مسیر عبوری مطمئن از نخجوان به سمت آذربایجان از خاک ارمنستان است و این عامل مشوقی است برای آذربایجان که این خواسته را شاید از طریق یک حمله نظامی تعقیب کند. عامل بعدی حضور اسرائیل در آذربایجان از طریق پایگاه جاسوسی و نظامی در باکو و کمک‌های پهپادی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی است که اسرائیلی‌ها به ارتش و نیروهای آذربایجان دادند و در جنگ اخیر یک عامل پیروزی برای آذربایجان شد. البته اسرائیل از این حضور اهداف متعددی را دنبال می کند از جمله ایجاد بحران و تنش بین آذربایجان و ایران، جاسوسی از مراکز هسته‌ای ایران و شکار نیروهای نخبه هسته‌ای این کشور که آقای فخری‌زاده مصداق بارز آن بود. همچنین دور زدن محاصره و دستیابی به بازارهای نفت و گاز و اقتصاد قفقاز و آسیای مرکزی. اکنون اسرائیل با حضوری که در کشور آذربایجان دارد تنش میان ایران و آذربایجان را تشدید کرده و بارها مقامات ایران این مسئله را به مقامات آذربایجانی هشدار داده‌اند. در نهایت عامل آخر فشار حداکثری آمریکا بود که بعد از خروج ایالات متحده از برجام از سوی ترامپ در پیش گرفته شد و شاید مسئله تنش میان ایران و آذربایجان در ادامه پازل تکمیلی این طرح آمریکاست. باید گفت در کنار تحریم‌های نفتی و بانکی و دلاری، آوردن اسرائیل به منطقه و عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی از جمله عراق، فاکتور بعدی آوردن اسرائیل به شمال ایران و حضور نظامی امنیتی آن در آذربایجان و قفقاز بود که برگ دیگری از پازل فشار حداکثری بود که از سوی آمریکا دنبال شد تا از این طریق موقعیت ژئوپولتیک ایران را تهدید کند و فشار اقتصادی سیاسی بیشتر و کریدورهای بازرگانی ایران ناامن شود. کما اینکه آمریکا اجازه داد در افغانستان، نیروهای طالبان سرکار بیاید که این گروه در آینده بتواند یک تهدید بالقوه برای امنیت ایران باشد. به هر جهت همه این عوامل فوق‌الذکر دست به دست هم داده و فعلاً تنش میان ایران و آذربایجان را تشدید کرده است.

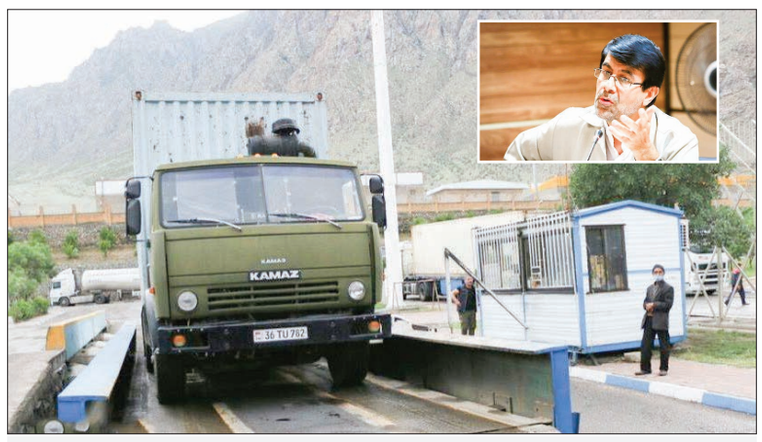

**تنش میان ایران و آذربایجان نه فقط فروکش نکرده، بلکه روز به روز، افزایش می‌یابد. با افزایش بحران، نیروهای مسلح ایران حضور خود را در مرزهای شمال غربی افزایش داده و مانور نظامی در این منطقه اجرا کرده‌اند. از سوی دیگر ترکیه مانورهای نظامی مشترکی را با جمهوری آذربایجان در منطقه نخجوان آغاز کرد. در این راستا بسیاری از کارشناسان در تحلیل تنش اخیر میان دو کشور ردپای دیگر قدرت‌های منطقه‌ای را نیز ردیابی کرده‌اند. در این زمینه گفت‌وگویی داریم با آقای دکتر محمدعلی بصیری دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان و تحلیل گر مسائل سیاسی.**

**به نظر شما واکنش ایران نسبت به این بحران باید چگونه باشد؟ عکس‌العمل ایران به صورت مانورهای نظامی که در چند روزه اخیر در مرز با آذربایجان داشت را چگونه ارزیابی می کنید؟**

اکنون باید ایران در کوتاه مدت و در بلندمدت برنامه‌ریزی کند تا بتواند تنش موجود را از طریق عقلانیت و دیپلماسی از بین ببرد نه از طریق تنش و درگیری و برخورد نظامی. در واقع لازم است همزمان ایران از ابزار دیپلماسی، رسانه، اقتصاد و ابزار نظامی به عنوان آخرین راه استفاده کند و با طرف‌هایی که مستقیماً در بحران درگیرند از جمله آذربایجان، ارمنستان، روسیه و ترکیه وارد مذاکره شود و چانه‌زنی و مبادلات دیپلماتیک انجام دهد تا بتواند بحران را با حداقل هزینه مدیریت کند. بالاخره آذربایجان عضو سازمان‌هایی مانند اکو و سازمان همکاری‌های اوراسیاست و دو کشور ایران و آذربایجان منافع مشترک کلانی دارند که بخواهند بر سر آن مذاکره کنند. در کنار این ابزارها، نباید از رسانه و تبلیغات و توجیه افکار عمومی مردم ایران و آذربایجان غافل شد. باید توجه داشت که ایران باید از گزینه نظامی به عنوان آخرین راه استفاده کند. البته مانور نظامی هم می‌تواند پیامی باشد برای عزم جدی ایران برای مقابله با طرف مقابل که به نظر می‌رسد مطرح شدن آن اشکالی ندارد.

**به نظر شما تنش میان ایران و آذربایجان چه تاثیری بر مذاکرات وین دارد آیا این تنش‌ها خللی در روند مذاکرات وین ایجاد کرده یا به عنوان فاکتوری جهت تسهیل این مذاکرات عمل می‌کند؟**

به نظر می‌رسد این تنش‌ها اهرم فشاری است از سوی طرف‌های غربی که بتوانند ایران را هرچه سریع‌تر پای میز مذاکرات بنشانند و ایران مجبور شود شرایط طرف غربی را بپذیرد و اصلاً خود این تنش بخشی از پازل فشار حداکثری آمریکاست. در این میان اگر ایران نتواند تنش میان خود و آذربایجان را مدیریت کند این یک برگ منفی برای جمهوری اسلامی در مذاکرات وین بوده و مجبور است سر میز مذاکره امتیازات بیشتری بدهد.

## فضای مجازی

حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق در توئیتر بازگشت؛

### شکست سکوت

امین رضایی / گروه سیاست
news@naslefarda.net

«مهر ۳۲ سال پیش، شورایعالی امنیت ملی تأسیس شد. سیاست بی‌طرفی فعال در حمله ائتلاف به عراق در سال ۶۹ و خارج کردن ایران از ذیل فصل ۷ منشور سازمان ملل در ۹۴ از تصمیمات سرنوشت‌ساز این نهاد است. هوشیاری نسبت به تحولات منطقه/جهان و تدبیر شجاعانه برای صلح و امنیت ملی لازمه پیشرفت کشور است.» این متن دومین توئیت حسن روحانی است. کسی که فعلاً و حالا در کنار اسمش می‌نویسیم رئیس‌جمهور سابق، رئیس‌جمهور سابقی که گویا بعد از دو ماه نطقش باز شده و سکوتش را شکسته است. این نشانه‌ها می گویند رئیس‌جمهور سابق بنایی برای سکوت سیاسی ندارد. چند روز قبل هم او در نخستین توئیت نوشته بود «نمی‌توان سکوت کرد». این بخشی از نخستین پیام توئیتری رئیس‌جمهوری سابق بعد از پایان دوران ۸ ساله حضورش در پاستور بود. توئیتی که حسن روحانی در روزهایی که بحث بر سر چرایی سکوتش بالا گرفته بود درباره نه یک موضوع داخلی بلکه درباره حمله تروریستی در افغانستان منتشر کرد تا نگاه‌ها را یکباره به سمت خود بکشاند. بیش از دو ماه از خداحافظی شیخ حسن روحانی با پاستور می گذرد، روزهایی که او در سکوت سپری کرد اما مخالفان و منتقدانش پرسروصدا و پرهیاهو عملکرد ۸ ساله او را زیر ذره‌بین بردند، از سیاست خارجی تا اقتصاد، از سیاست داخلی تا فرهنگ و... روحانی اما در همه این روزها سکوت کرده بود و هیچ خبری از او منتشر نشد. نه پاسخی به منتقدان داد نه در محفلی رسمی یا خصوصی حضور یافت و نه حکمی به نامش زده شد. سکوت و بی‌خبری از رئیس‌جمهور سابق آنقدر سؤال‌برانگیز شد که تیتر «حسن روحانی کجاست؟» در رسانه‌ها دست به دست شد. پیام تبریک روحانی به تیم ملی کشتی آزاد و قبل از آن پیام تسلیتش برای درگذشت علامه حسن‌زاده‌آملی، تنها خبرهای رسمی بود که در چند روز گذشته از سوی او منتشر شد. و در نهایت چند روز پیش روحانی با توئیتی که درباره یک حادثه روز زد نشان داد که آماده بازگشت به سیاست و عرصه اجتماعی شده است.

## بزرگداشت

رئیس مجلس شورای اسلامی مطرح کرد:

### باورهای غلط و مدیران ناکارآمد دو مشکل اساسی کشورداری

**ایسنا:** رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: باورهای غلط و مدیران ناکارآمد دو مشکل اساسی ما در کشورداری است. مشکل پول و نبود امکانات نیست. محمدباقر قالیباف در مراسم اختتامیه جایزه سردار سرلشکر حاج حسین همدانی بیان کرد: جا دارد از کسانی که با قلم و فعالیت‌هایشان یاد شهدا را زنده نگه می‌دارند، تشکر کنم. آن‌ها میراث داران شهدا هستند. بی‌شک این هم ادامه راه شهداست. اهل قلم و اهل هنر مجاهدینی هستند که در این عرصه مجاهدت می کنند. وی ادامه داد: در طول این ۴۰ سال فشارها و تهدیدهای متعدد را شاهد بودیم و دشمنی دشمنان را در زمینه‌های مختلف در اوج خودش دیدیم. همه به دنبال براندازی جمهوری اسلامی ایران بودند. با فرهنگ خداباوری، فرهنگ خودباوری و فرهنگ مردم باوری که در بین مردم ما و نظام وجود دارد، دشمنان به طرق مختلف شکست خورده است. حزب‌اله و حزب شیطان هیچ وقت با یکدیگر کنار نمی آیند.

قالیباف ادامه داد: امروز درگیر دو جنگ اقتصادی و رسانه‌ای هستیم که خط مقدم ما را تشکیل داده‌اند. جنگ رسانه‌ای اثرگذارتر از جنگ اقتصادی است. در پیروزی در جنگ اقتصادی باید ابتدا پیروز جنگ رسانه‌ای باشیم. جنگ نابرابر و سختی وجود دارد. تحریف، دروغ، به ظاهر حرف درست زدن و در باطن ظلم در آن وجود دارد. به تعبیر دیگر ما در دو جنگ تحریف و تحریم میان حزب‌اله و حزب شیطان قرار داریم. رئیس مجلس با بیان اینکه بقای انقلاب و نظام را از ۱۵ خرداد سال ۴۲ تا کنون مشاهده می کنیم، گفت: جهاد تبیین یک اصل مهم است. از موضوعات با رابطه علت و معلولی دفاع کنیم. نویسندگان و هنرمندان ما در این طریق مجاهدت می کنند ما باید این روش را زنده نگه داریم. شاهدیم که مدافعان حرم چه کارهایی کرده‌اند؛ جوان‌ها آمدند. یک زمان در بین خودمان که از بچه‌های جنگ بودیم می گفتیم اگر جنگ شود آیا باز هم جوانان می آیند؟ عده‌ای می گفتند خیر، اما دومرتبه شاهد بودیم جوانان از شهر و روستا آمدند. انسجامی که در جهان اسلام دیدیم و همدلی بین تشیع و اهل سنت را هم در این بین مشاهده کردیم. هر دوره‌ای که باشد سنت‌های الهی پا بر جاست.

عملیات آزمایش کردن کارکرد پهپادهای حامل کالا در تل آویو.

**منبع: آسوشیتدپرس**

نفتی کردن مجسمه «بوریس جانسون» نخست‌وزیر انگلیس در جریان تظاهرات فعالان محیط زیست در لندن.

**منبع: رویترز**

## نکو داشت

رئیس قوه قضائیه در آیین تأسیس سازمان بازرسی کل کشور:

### می‌توان بسیاری از مسائل را با مردم در میان گذاشت

رئیس قوه قضائیه گفت: می‌توان برای اصلاح امور، پیشگیری از جرم و تشویق افراد برای مبارزه با فساد بسیاری از مسائل را با مردم درمیان گذاشت و نباید در این خصوص خودسانسوری کرد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی اژه‌ای همزمان با چهلمین سالروز تأسیس سازمان بازرسی کل کشور از نمایشگاه اقدامات و دستاوردهای سازمان بازرسی کل کشور بازدید کرد و در جریان فرآیندهای کشف، احصاء و رسیدگی به تخلفات و مفاسد اداری قرار گرفت.

در این بازدید مسئولان بخش‌های مختلف سازمان بازرسی کل کشور گزارشی از نظام مسائل مطرح در کشور، گلوگاه‌های فساد و نحوه دریافت گزارش‌های مردمی و گزارشگران فساد و همچنین روند بررسی و رسیدگی به این گزارش‌ها ارائه کردند.

رئیس قوه قضائیه در جریان وضعیت نیروی انسانی بازرسی کل کشور و اقدامات و دستاوردهای ناظران و بازرسان در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و قضایی و همچنین امور اقتصادی و تولیدی قرار گرفت.

در جریان این بازدید همچنین سامانه سیمرغ که به منظور پایش و ارزیابی عملکرد روزانه کارکنان ستادی و عملیاتی سازمان بازرسی کل کشور راه‌اندازی شده، با حضور رئیس دستگاه قضا مورد بهره‌برداری قرار گرفت که گام مهمی در جهت هوشمندسازی نظام قضایی و فرآیند نظارت بر کارکنان دستگاه قضاست. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی اژه‌ای سپس با حضور در آیین نکوداشت چهلمین سالگرد تأسیس سازمان بازرسی کل کشور که با حضور مدیران عالی و معاونان این سازمان برگزار شد، نظارت را امری ضروری دانست و گفت: کسی که می‌خواهد در امور شخصی و اجتماعی و حکمرانی به کمال برسد نیازمند نظارت مکرر و مستمر است.

وی از نظارت به عنوان یکی از لوازم حکمرانی صحیح و مقبول یاد کرد و متذکر شد بدون توجه به نظارت، نمی‌توان انتظار داشت دستگاه‌های حاکمیتی به وظایف خود دقیق و درست عمل کنند. رئیس قوه قضائیه با اشاره به جایگاه ویژه «سازمان بازرسی کل کشور» در قانون اساسی اظهار داشت: در بسیاری از کشورها و نظامات حاکم بر دنیا، نهاد بازرسی وابسته به دولت یا مجلس است، اما در کشور ما سازمان بازرسی زیر نظر قوه قضائیه قرار دارد که از امتیازات و اعتبارات این سازمان در جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

محسنی اژه‌ای با اشاره به اختیارات گسترده سازمان بازرسی کل کشور گفت: سازمان بازرسی می‌تواند گزارش تخلفات و جرائم مدیران دستگاه‌ها را به دادگستری گزارش دهد تا ظرف سه ماه خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار گیرد. وی ادامه داد سازمان بازرسی حتی اجازه دارد به آرای صادره از سوی دادسراها و دادگاه‌ها اعتراض کند و بر اساس ماده ۴۷۷ خواستار اعاده دادرسی شود. رئیس قوه قضائیه همچنین به مأموریت‌های سازمان بازرسی کل کشور برای بازرسی از همه دستگاه‌های اجرایی و نظارت بر حسن اجرای قوانین اظهار داشت: هم اجرای قانون مهم است و هم آن که قانون درست اجرا شود و اگر سازمان بازرسی متوجه شد در جایی قانون اجرا نشده یا درست اجرا نمی‌شود باید موضوع را پیگیری کند. محسنی اژه‌ای با تأکید بر لزوم حسن اجرای امور در دستگاه‌های اجرایی افزود: اگر دستگاهی به وظیفه خود به درستی عمل نمی کند، سازمان بازرسی مأموریت دارد با بررسی و تحلیل مسئله به آن دستگاه تذکر و هشدار بدهد. رئیس قوه قضائیه بر لزوم اطلاع‌رسانی از فعالیت‌ها و دستاوردهای سازمان بازرسی کل کشور هم تاکید کرد و گفت: خود من که در رأس دستگاه قضا هستم نسبت به همه اقدامات و توفیقات سازمان بازرسی اطلاع ندارم و مردم نیز طبعاً در جریان کارهای این مجموعه نیستند. محسنی اژه‌ای با نادرست دانستن این برداشت که گفته می‌شود همه گزارشات سازمان بازرسی محرمانه است، تأکید کرد: طبق آیین دادرسی اطلاع‌رسانی درباره همه مسائل قضایی ممنوع نیست و منعی برای اطلاع‌رسانی درباره اقدامات، دستاوردها و همه گزارش‌های سازمان بازرسی وجود ندارد.

**منبع: میزان**